

در آستانه

از عاشورا تا بدر



در کنار همین ستون و توی همین صفحه راجع به تابلوی «عصر عاشورا» اثر استاد محمود فرشچیان صحبت کردیم.

توی ستون صفحه بعد هم که واکنش بعضی کاربران به این عکس را که در فرودگاه بدر اصفهان ثبت شده آورده‌ایم.

لایه‌لای این واکنش‌ها، چند کاربر را هم ذکر کرده‌ایم که این تصویر، آنها را یاد اثر ماندگار استاد فرشچیان انداخته است. راجع به مقایسه این دو اثر با یکدیگر هم توی گزارش همین صفحه اشاره‌هایی به این اثر شده است. حالا شاید بد نباشد در چنین وضعیتی برویم سراغ این‌که بینیم روایت خود استاد از خلق این اثر ماندگار چیست. استاد قلم به دستی که از قضا خودش هم اصفهانی است:

چهار ساله بودم. روی زمین می‌نشستم و نقش‌های قالی را روی کاغذ می‌کشیدم. پدرم هم از این وضعیت راضی بود.

پدرم نماینده شرکت فرش در اصفهان بود. استادی بود که برای ایشان نقش فرش می‌کشید.

یک بار پدرم مرا پیش او برد. استاد، نقش یک آهو را به من داد و گفت از روی آن نقاشی کن. تا صبح فردا حدود ۲۰۰ طرح در اندازه‌ها و جهت‌های مختلف کشیدم. برای استاد باور کردنی نبود.

هنرجویان امروز بعد از اندک زمانی خدا را هم بنده نیستند. من آنقدر رنگ برای استادم ساییدم که کف دست‌هایم پینه بست.

سه سال پیش از انقلاب، روز عاشورا، مادرم گفت: برو روضه گوش کن تا چند کلام حرف حساب بشنوی. گفتم: من حالا کاری دارم بعد خواهم رفت. رفتم اتاق، اما خودم ناراحت شدم.

حال عجیبی به من دست داد. قلم را برداشتم و تابلوی عصر عاشورا را شروع کردم. قلم را که برداشتم همین تابلو شد که الان هست، بدون هیچ تغییری.

الان که بعد از ۳۰ سال به این تابلو نگاه می‌کنم، می‌بینم اگر می‌خواستم این کار را امروز بکنشم، باز هم همین تابلو به وجود می‌آمد، بدون هیچ تغییری. یک چیزی دارد این تابلو که خود من هم گریه‌ام می‌گیرد. در این تابلو مایه اصلی تصویرگرایی، مرکز تصویر دیده نمی‌شود. جایش خالی است. امام حسین(ع) که محور اصلی این تابلوست در اثر دیده نمی‌شوند.

در مورد محتوای تابلوی عصر عاشورا باید بگویم، شاید جذابیت این تابلو به علت غیبت شخصیت اصلی یعنی امام حسین(ع) در آن است و باعث می‌شود که انسان با دیدن این تابلو به دنبال شخصیت اصلی که این واقعه را شکل داده است، بگردد. اشکی که بر چشم اسب حلقه زده و آن سرافکنگی او برای آوردن خبر ناگوار و کیوترانی که خود را به خون شهید آغشته کرده‌اند، به نوعی پیام‌آور فاجعه هستند.

در عین حال وجود حضرت زینب(س) و آن چند نفر در وسط تابلو می‌توانند از عواملی باشند که باعث ایجاد جذابیت هرچه بیشتر در این تابلو می‌شوند.

به لحاظ تکنیکی اگر این تابلو بیشتر از این شلوغ بود، احتمالاً این غربت در تابلو این چنین نمایان نمی‌شد.

تابلویی که حالا دیگر به بخشی لاینفکی از فرهنگ عاشورا محسوب می‌شود و ادای دینی که هنرمندان این حوزه به آن داشته‌اند. این تابلو در روز عاشورای سال ۱۳۵۵ کشیده شده است. مشهورترین اثر تجسمی درباره واقعه عاشوراست. موضوع اثر، بازگشت اسب بی‌سوار به سوی خیمه‌ها، پس از شهادت امام حسین(ع) در عصر عاشورا، و نمایش حزن و اندوه اهل بیت امام در مواجهه با این صحنه است. فرشچیان این تابلو را در سال ۱۳۶۹ به موزه آستان قدس رضوی اهدا کرد. این تابلو را می‌توان به دلیل قوت هنری و غنای اثر، در کنار مضمون عاشورایی، یکی از آثار الهام‌بخش و محبوب برای شیعیان است. □



بیانیه حوزه هنری در محکومیت حادثه تروریستی

سازمان سینمایی حوزه هنری با صدور بیانیه‌ای به اقدام تروریستی اخیر که به شهادت مرزبانان کشور منجر شد، واکنش نشان داد.

آن‌طور که مهر گزارش داده، سازمان سینمایی حوزه هنری با صدور بیانیه‌ای ضمن تسلیت شهادت پاسداران و مرزبانان انقلاب در سیستان و بلوچستان، این



صابر محمدی

ادبیات و هنر

مرتضی صالحی

عکاس عکس‌های

روز استقبال و روز وداع با شهدای حادثه تروریستی اخیر، متولد ۱۳۶۹ است؛ از سال ۸۴ عکاسی‌و از سال ۸۶ عکاسی خبری را آغاز کرده است. پیش از این با خبرگزاری‌های ایسنا و ایمن‌ا همکاری کرده و حالا هم برای خبرگزاری تسنیم دوربین به دست می‌گیرد. عکس‌های این دو صفحه از اوست



جنایت ضد انسانی را محکوم کرد که در متن آن آمده است: «این‌گونه اقدامات کور و بزدلانه نشان ضعف و استیصال دشمنان این سرزمین و هراس‌شان از گسترش و بالندگی انقلاب اسلامی و استقلال ملت حماسه‌ساز و غرورآفرین ماست. این حرکت مذبحخانه امروز، بیش از هر چیز خشم و عصبانیت استکبار جهانی و

«هر عکاس، کارگزار مرگ است»؛ این، تعبیر هولناک رولان بارت در کتاب اتاق روشن است. کتابی که بالینی عکاس‌هاست. نمی‌دانم شما این چند فریم عکس استقبال از پیکر شهدای حادثه تروریستی اخیر و عکس‌های تشییع آنها را دیده‌اید یا نه. یکی‌شان خیلی دست‌به‌دست شده؛ آن‌که مادری را با کودک منتظرش نشسته روی آسفالت باند فرودگاه بدر اصفهان به تصویر کشیده است. به تصویر کشیده است؟ به تصویر کشیده است و تمام؟ نه! این کاهلانه‌ترین عبارتی است که می‌توان درباره کار مرتضی صالحی، عکاس این تصویر به کار برد. اینجا «به‌ثبت‌رساندن» مساله نیست. او به‌واقع با کادری که بسته و عکسی که گرفته، به تعبیر رولان بارت، کارگزار مرگ شده است. گو‌که پس از ثبت این فریم، قلب جهان به‌ناگهان و برای لحظاتی از حرکت بازایستاده، سنگ سنگینی را از روی خود برداشته، نفس عمیقی کشیده و دوباره به حرکت افتاده است.

بارت در ادامه می‌گوید: «در واقع در هر عکس، سکونی یافت می‌شود که نسبتی عمیق با مرگ پیدا می‌کند». او درباره هر عکس، عکس بماهو عکس سخن می‌گوید، اما ما اینجا درباره یک عکس حرف می‌زنی‌م. عکسی که اتفاقاً نسبتی عمیق با مرگ و فراتر از آن با مقوله شهادت، برقرار می‌کند و تازه این همه ماجرا نیست.

چهارشنبه‌شب گذشته، خراش بر خاش افتاد؛ اتوبوسی که در جاده خاش – زاهدان می‌راند، با حمله تروریستی از حرکت بازایستاد تا پیکر ۲۷ شهید دیگر روی دست ایران بماند. فردای حادثه، خانواده شهدا و مجروحان و مردم خودشان را به فرودگاه بدر اصفهان رساندند تا از فرزندانشان استقبال کنند. مرتضی صالحی، عکاس خبرگزاری تسنیم، یکی از عکاس‌هایی بود که خودش را به صحنه رسانده بود تا ثبت چند تصویر به‌یادماندنی از این صحرای محشر

را به نام خودش سند بزند. با او تماس می‌گیریم؛ آهنگ پیشوازش پیش از این‌که پاسخمان را بدهد می‌گوید: «با به دوربین راه می‌افتم تو کوچه‌های شهرمون می‌رم». صالحی به ما می‌گوید: «شب حادثه خبر را متوجه شدم و استوری تسلیت منتشر کردم. تماس گرفتم با یکی از بچه‌های لشکر امام حسین و پرسیدم خبر درست است؟ زد زیر گریه و گفت فعلاً خبرش را منتشر نکن. من فقط در صفحه شخصی‌ام نوشتم مردم اصفهان تسلیت. همه آمدند و پرسیدند مگر چه شده است؟ نیم ساعت تحمل کردم و بعد به همه گفتم. با دفتر تهران تسنیم تماس گرفتم و گفتم من این بچه‌های شهید را می‌شناسم و اجازه بدهید خودم همه ماجراها و مراسم را پوشش بدهم.»

روایت او از دو روز استقبال در فرودگاه بدر و از تشییع ووداع برروح زخم می‌زند.



چند روایت دست اول از عکاسی که عکس معروف همسر و فرزند شهید حادثه تروریستی

دارد «غروب فرشچی

مرتضی صالحی به جام جم می‌گوید هیچ‌گاه تصاویری را که در روز استقبال و روز تشییع

و از پدر شهیدی که تماسی خیالی با



صحنه معروف را حمیدرضا نیکومرام، عکاس فارس هم ثبت کرده است؛ از روبه‌رو.

